

بررسی امکان نگاه تاویلی به ارکان معماری سنتی ایرانی در طراحی معماری مساجد معاصر

محمدجواد نجم^{۱*}، محمدرضا سلیمانی^۲

۱- کارشناسی ارشد مهندسی معماری گرایش معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، ایران - mjnajm@gmail.com

۲- دکترای معماری گرایش معماری و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، ایران - amr.soleimani@gmail.com

چکیده

کنکاش معماری بومی معاصر ایرانی در کنار دیگر مسائل منشعب شده از هویت در هنر از موضوعات مهم عصر حاضر می باشد. ایران با داشتن سابقه ای غنی در هنر، دارای هویتی است که نمی توان آن را نادیده گرفت. بنابراین با نگرشی تاویلی، در هویت کم رنگ شده امروز و با بهره گیری از امکانات روز جهان که امروزه در اختیار ما قرار گرفته است می توان به ریشه های غنی خود، بازگشتی به آینده داشته باشیم. معماری سنتی ما چه قبل و چه بعد از اسلام دارای ارکانی است که عموماً ثابت بوده و همه آنها بر خواسته از هویت و فرهنگ این سرزمین است. این ارکان بنا به فراخور زمان خود در فرم و شکلی به منصف ظهور رسید که امروزه می تواند با توجه به امکانات موجود فرمی دیگر به خود گیرد. بنابه توجه فراوان معماری سنتی به بحث معنا، تبلور این رکن در فضاهای عبادی به خصوص مسجد بیشتر نمود داشت و آن را می توان در جای جای مساجد دید و لمس کرد. در این تحقیق مطالعات به روش توصیفی-تحلیلی که شامل مطالعات کتابخانه ای در زمینه مبانی نظری موضوع اصلی؛ ارزیابی و درک مبانی و مفاهیم مسجد، عبادتگاه، عناصر تشکیل دهنده ی آن، و بررسی تاثیرات بومی و وارداتی بر مباحث هویتی موثر بر معماری عصر حاضر می باشد.

واژه های کلیدی: معماری سنتی، نگرش تاویلی، معماری معاصر، هنر اسلامی

۱. مقدمه:

در نگرشهای سنتی به مسائل مختلف و به خصوص مساله هنر، در ادوار مختلف تاریخ که تفکر سنت، تفکر غالب جامعه بوده است، پرهیز از گزاره گویی و زیاده گویی همواره از اهداف تفکر سنتی بوده. تا جایی که این تفکر باعث پدید آمدن هر چیزی با هدفی خاص و به منظور مصرف و استفاده ای همسو با کاربری اش اتفاق می افتاده. در ادوار مختلف سنت و به خصوص در زمینه معماری، هر بنا و هر جزئی از بنا با هدف و نیتی والا برای کاربر ساخته می شده است و هیچ کل یا جزئی در معماری بی هدف و بی کاربری ایجاد نمی شده است. هنر سنتی ایرانی برخواسته از متن هنر معنوی و دینی می باشد. معنوی بودن هنر سنتی نه تنها به دلیل موضوع آن، بلکه به دلیل روش و سبک آن و در نهایت به دلیل آن است که منبع الهام و خاستگاه این نوع هنر از روان منفرد و مستقل بشری بسی فراتر است و در این هنر، هنرمند فقط محمل و مجرای رحمتی است که از عالم معنا منبعث شده است. (رحمتی، ۱۳۹۰)

از این رو اوج شکوه و عظمت و سیر تکاملی هنر سنتی را، در تاریخ هنر معماری ایران می توان غالباً در فضا های مذهبی از جمله مسجد دید. داشتن ریشه معنوی و دینی هنر سنتی و همچنین معماری سنتی ایرانی، در اصل برای کاربر فضایی مثل مسجد، تاثیر پذیری از یک واحد کلی در قالب دو شکل متفاوت است که هر دو در راستایی یکسان، او را به هدف غالباً توحیدی سوق می دهد. علاوه بر این، وجود دو عامل تفکر اسلامی و مخلوق آن یعنی هنر اسلامی به کار رفته در خلق فضا های متنوع مسجد، نشانگر هماهنگی و تاثیرپذیری دو سویه هر کدام از آنها بر دیگری در عالی ترین سطح می باشد. به این جهت و با اتکا به این نیروی نهفته در هر دو عرصه (مسجد و معماری سنتی) می توان هر چه بیشتر مقصود و منظور را در نگاه تاویلی به سنت ابراز داشت. کما اینکه این بستر در طراحی جای جای فضاهای معماری سنتی ایرانی، از خانه تا مراکز جمعی غیر دینی هم دارای قابلیت بوده است. اما بنا بر پیچیده بودن موضوع، انتخاب فضای مذهبی مثل مسجد کار را بیشتر قابل درک می کند. تاثیرات معنایی و معنوی مسجد چه در قالب کلی، نفس عملکرد عبادی مسجد و چه در نمود هنری آن که هر دو از سطح نمادین و ظاهری خود، انسان را به بطن و ریشه معنایی می برد. همان طور که رکوع و سجود و قنوت در نماز نشانی فراتر از ظاهر عملی خود دارند، معماران نیز با شناخت کامل معانی دست به خلق فضا ها و حتی تزئیناتی زدند که با گذر از ظواهرشان ما را به همان معانی معنوی می برند، از تفسیرات آیات قرآنی در قالب معماری گرفته تا تداعی کردن حال و